

**نویسنده:** پروفیسور. رویل اف. پپا «Prof.Ruel .F.Pepa» .  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2025-03-09» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## کوری راهبردی اتحادیه اروپا: شکست در ایجاد اتحاد قوی با روسیه علیه امپریالیسم ایالات متحده

*Union's Strategic Blindness: Failing to Forge a Strong  
European Alliance with Russia Against US Imperialism*



اتحادیه اروپا مدت هاست که برای اثبات استقلال ژئوپلیتیک خود تلاش می‌کند و بارها در مدار منافع ایالات متحده قرار گرفته است، به ویژه در زمینه جنگ جاری در اوکراین. این وابستگی در جنبه های مختلف سیاست خارجی، تصمیمات اقتصادی و تدابیر امنیتی خود را نشان داده است، که اغلب به جای اولویت دادن به منافع استراتژیک منحصر به فرد اروپا، با دستور کار واشنگتن همسو بوده است.

نکته قابل توجه در مورد نحوه برخورد اتحادیه اروپا با روسیه است. با وجود روابط تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی بین اروپا و روسیه، اتحادیه اروپا نتوانسته است اهمیت استراتژیک ایجاد یک اتحاد قوی با همسایه شرقی خود را تشخیص دهد. در عوض، از موضع آمریکا که با تحریم ها و انزوای دیپلماتیک مشخص می‌شود، کاملاً پابیند بوده است. این رویکرد نه تنها درگیری در اوکراین را طولانی تر کرده است، بلکه مانع از

ایجاد فرصت های بالقوه برای صلح و ثبات در منطقه شده است. همسویی اتحادیه اروپا با سیاست های ایالات متحده در این زمینه می تواند به عنوان کمکی به برنامه بلند مدت امپریالیستی واشنگتن برای حفظ نظم جهانی تک قطبی تلقی شود، جایی که ایالات متحده نفوذ غالب دارد.

در هر دو دولت بایدن و ترامپ، ایالات متحده توانسته است سیاست گذاران اروپایی را برای خدمت به جاه طلبی های جهانی خود دستکاری کند. این نفوذ در تصمیمات مختلف اتخاذ شده توسط رهبران اروپایی مشهود است که در برخی مواقع، منافع ایالات متحده را بر نگرانی های اقتصادی و امنیتی اروپا ترجیح داده اند. به عنوان مثال، تصمیم اتحادیه اروپا برای اعمال تحریم ها علیه روسیه، به شدت تحت تأثیر ایالات متحده، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی برای صنایع اروپایی، به ویژه در بخش های وابسته به انرژی و مواد خام روسیه داشته است.

علاوه بر این، عدم تمایل اتحادیه اروپا به ترسیم یک مسیر مستقل در سیاست خارجی خود، ساده لوحی ژئوپلیتیک و فقدان آینده نگری آن را آشکار کرده است. اتحادیه اروپا با استفاده نکردن از پتانسیل خود به عنوان یک بلوک متحد که قادر به تصمیم گیری مستقل است، اغلب خود را در واکنش به رویدادهای جهانی به جای شکل دادن به آنها می بیند. این موضع واکنشی از نفوذ آن در صحنه جهانی کاسته و آن را در معرض دستکاری خارجی قرار داده است. برای دستیابی به استقلال ژئوپلیتیک واقعی، اتحادیه اروپا باید رویکردی استراتژیک و مستقل در سیاست خارجی خود ایجاد کند. این امر مستلزم ارزیابی مجدد اتحادها، از جمله روابط آن با ایالات متحده، و در نظر گرفتن مزایای بلندمدت تقویت روابط متوازن تر و عمل گرایانه تر با روسیه و سایر قدرت های جهانی است. اتحادیه اروپا تنها از طریق چنین اقداماتی می تواند امیدوار باشد که خود را به عنوان یک بازیگر قدرتمند و مستقل در عرصه بین المللی تثبیت کند که قادر به حفظ منافع خود و کمک به ثبات جهانی باشد.

## ایالات متحده و جنگ آن در اوکراین: ابزاری برای سلطه امپراتوری

از زمان آغاز جنگ اوکراین، واشنگتن به طور خستگی ناپذیری برای اطمینان از همسویی اروپا با استراتژی ژئوپلیتیک گسترده تر خود تلاش کرده است. دولت بایدن، به ویژه، اتحادیه اروپا را با ارائه کمک های نظامی به اوکراین، اعمال تحریم های شدید علیه روسیه و ایجاد فضایی از خصومت تسلیم ناپذیر بین اروپا و مسکو، به شدت تحت فشار قرار داده است. این استراتژی ریشه در نگرانی برای حاکمیت یا امنیت اوکراین ندارد، بلکه در هدف بزرگتر تضعیف روسیه به عنوان یک قدرت جهانی و در عین حال تحکیم سلطه ایالات متحده بر اروپا است.

ارائه کمک های نظامی به اوکراین توسط اتحادیه اروپا، که به شدت توسط ایالات متحده تشویق شده است، عنصر محوری این استراتژی بوده است. این حمایت شامل تامین

تسلیحات، آموزش نیروهای اوکراینی و ارائه کمک های مالی برای حفظ تلاش های دفاعی اوکراین بوده است. تمرکز شدید بر تقویت قابلیت های نظامی اوکراین بر تمالی ایالات متحده برای ایجاد یک مخالفت شدید در برابر پیشرفت های روسیه تأکید می کند. با این حال، این هجوم کمک های نظامی به تشدید و طولانی شدن درگیری، ایجاد بحران های انسانی شدید و بی ثباتی بیشتر منطقه کمک کرده است

اعمال تحریم های شدید علیه روسیه یکی دیگر از جنبه های مهم رویکرد واشنگتن بوده است. این تحریم ها بخش های کلیدی اقتصاد روسیه از جمله امور مالی، انرژی و فناوری را با هدف فلج کردن زیرساخت های اقتصادی روسیه و کاهش ظرفیت آن برای ادامه جنگ هدف قرار داده است. در حالی که این اقدامات بدون شک اقتصاد روسیه را تحت فشار قرار داده است، اما پیامدهای قابل توجهی برای کشورهای اروپایی که به شدت به منابع انرژی روسیه وابسته هستند، داشته است. فشار اقتصادی و افزایش هزینه های انرژی بر صنایع و خانوارهای اروپایی سنگینی کرده است که منجر به نارضایتی اجتماعی و اقتصادی گسترده شده است.

جو خصومت تسلیم ناپذیر اروپا و مسکو به دقت توسط ایالات متحده تقویت شده است. روابط دیپلماتیک تیره شده است و لفاظی های سیاسی به طور فزاینده ای متخاصم شده است. این محیط اختلافات را بیشتر کرده و هرگونه راه حل دیپلماتیک بالقوه برای درگیری را با مشکل مواجه کرده است. فشار بی وقفه برای یک موضع تندرو علیه روسیه همچنین توانایی اروپا را برای دنبال کردن سیاست های خارجی مستقل و عمل گرایانه که بهتر با منافع بلندمدت خود هماهنگ باشد، محدود کرده است.

اوکراین با وجود پتانسیل طبیعی و صنعتی گسترده خود به میدان جنگ برای منافع ایالات متحده تبدیل شده است و کشورهای اروپایی بیشتر هزینه های اقتصادی و اجتماعی را متحمل می شوند. در حالی که رهبران اروپایی از نقش خود در ایستادگی در برابر "تجاوز" روسیه دفاع می کنند، واقعیت این است که آنها به عنوان نیابتی در رویارویی به رهبری ایالات متحده عمل می کنند که با نیازهای راهبردی بلند مدت اروپا همسو نیست. تعهدات مالی و نظامی قابل توجه کشورهای اروپایی، منابعی را که می توانستند برای رسیدگی به مسائل داخلی مورد استفاده قرار گیرند، منحرف کرده و نارضایتی عمومی را تشدید کند.

علاوه بر این، تمرکز بر درگیری اوکراین، دیگر چالش های مهم جهانی مانند نابرابری اقتصادی و بحران های مهاجرت راتحت الشعاع قرار داده است. با اولویت دادن به کشمکش ژئوپلیتیک با روسیه، اروپا در خطر غفلت از این مسائل فوری است که مستقیماً بر رفاه و ثبات جمعیت خود تأثیر می گذارد.

تلاش های بی وقفه واشنگتن برای اطمینان از همسویی اروپا با استراتژی ژئوپلیتیک خود پیامدهای گسترده ای داشته است.

فشار تهاجمی برای کمک‌های نظامی به اوکراین، تحریم‌های شدید روسیه، و پرورش فضای خصومت نه تنها درگیری را طولانی‌تر کرده، بلکه بافت اقتصادی و اجتماعی اروپا را نیز تحت فشار قرار داده است. رهبران اروپایی، در تلاش برای ایستادگی در برابر «تجاوز» روسیه، ناخواسته در رویارویی به رهبری ایالات متحده که با نیازهای راهبردی بلندمدت اروپا همسو نیست، به نیابتی تبدیل شده‌اند. برای حفظ منافع خود، اروپا باید نقش خود را در مناقشه ارزیابی کند و سیاست خارجی مستقل و متعادل‌تری را دنبال کند. فشار ترانس‌آتلانتیک: چگونه ایالات متحده اروپا را تحت فشار قرار می‌دهد تا دستور کار روسیه را به عهده بگیرد

## عامل ترامپ: یک وعده دروغین صلح

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً خود را به عنوان یک صلح طلب معرفی کرده است که به دنبال پایان دادن به جنگ اوکراین است. با این حال، رویکرد او رویکردی نیست که به نفع اروپا یا روسیه باشد. در عوض، تمایل فرضی ترامپ برای مذاکره صلح با مسکو به عنوان پرده‌ای برای منافع عمیق‌تر آمریکا عمل می‌کند - یعنی بهره‌برداری از منابع طبیعی اوکراین و ادامه انقیاد اروپا تحت نفوذ ژئوپلیتیک واشنگتن. در حالی که لفاظی‌های ترامپ ممکن است کمتر از بایدن تهاجمی به نظر برسد، دستور کار اساسی او یکسان است: اطمینان از اینکه هژمونی ایالات متحده بدون چالش باقی می‌ماند و اروپا به عنوان یک بازیگر تابع در امور جهانی باقی می‌ماند.

تصویر ترامپ به عنوان یک صلح‌جو یک حرکت استراتژیک است که برای جذب مخاطبان داخلی و بین‌المللی طراحی شده است. او با معرفی خود به عنوان مذاکره‌کننده‌ای که مایل به تعامل با روسیه است، قصد دارد رویکرد خود را از موضع متخاصم‌تر دولت بایدن متمایز کند. با این حال، این نما تداوم اساسی در اهداف سیاست خارجی ایالات متحده را که سلطه و کنترل آمریکا بر مناطق کلیدی ژئوپلیتیک را در اولویت قرار می‌دهد، پنهان می‌کند.

بهره‌برداری از منابع طبیعی اوکراین جزء حیاتی این استراتژی است. اوکراین با ذخایر عظیم گاز طبیعی، زمین‌های کشتا و رزی حاوی صلیخیز، ذخایر معدنی گرانبها و موقعیت استراتژیک، دارایی ارزشمندی برای هر قدرت جهانی است. تمایل ترامپ برای مذاکره با مسکو ناشی از تمایل واقعی برای صلح نیست، بلکه ناشی از دستاوردهای اقتصادی بالقوه‌ای است که می‌تواند از منابع اوکراین به دست بیاید. ترامپ با قرار دادن ایالات متحده به عنوان یک بازیگر کلیدی در حل مناقشه، به دنبال تضمین دسترسی آمریکا به این منابع و در عین حال تضعیف نفوذ روسیه در منطقه است.

نگاه به مقاصد واشنگتن به مسکو اجازه داده است تا سیاست خارجی مستقل و متعادل‌تری را دنبال کند، سیاستی که امنیت و ثبات خود را بر خواسته‌های قدرت‌های خارجی ترجیح می‌دهد. احتیاط پوتین در برخورد با ایالات متحده بازتابی از درک عمیق

او از ماهیت امپریالیستی سیاست خارجی آمریکا است. برخلاف اتحادیه اروپا که اغلب از پیامدهای گسترده تر اقدامات ایالات متحده غافل می ماند، روسیه به تعاملات خود با واشنگتن با تفکری عملگرا و استراتژیک برخورد می کند. این رویکرد محتاطانه روسیه را قادر ساخته است تا از منافع خود محافظت کند و حاکمیت خود را در برابر فشارهای خارجی حفظ کند.

## فرصت از دست رفته اتحادیه اروپا آینده ای در رحمت ایالات متحده:

شکست اتحادیه اروپا در به رسمیت شناختن ضرورت ایجاد یک اتحاد قوی با روسیه، آن را در برابر پیامدهای بلندمدت سیاست امپریالیستی آمریکا آسیب پذیر کرده است. رهبران اتحادیه اروپا به جای دنبال کردن یک سیاست خارجی متعادل و مستقل که منافع اقتصادی و امنیتی اروپا را در اولویت قرار می دهد، تصمیم گرفته اند خود را با استراتژی ایالات متحده هماهنگ کنند که در درجه اول به نفع واشنگتن است. این همسویی منجر به یک سری اشتباهات استراتژیک شده است که توانایی اتحادیه اروپا را برای عمل به عنوان یک موجودیت ژئوپلیتیکی منسجم و خودمختار به خطر انداخته است.

اروپا با امتناع از تعامل با روسیه به عنوان یک شریک استراتژیک کلیدی، پتانسیل خود را برای عمل به عنوان یک نهاد ژئوپلیتیک مستقل تضعیف کرده است. پایبندی اتحادیه اروپا به دستورالعمل های سیاست ایالات متحده، انعطاف پذیری دیپلماتیک آن را محدود کرده و توانایی آن را برای دنبال کردن راه های جایگزین برای حل مناقشه محدود کرده است. این صف بندی سفت و سخت نه تنها درگیری در اوکراین را طولانی تر کرده است، بلکه تنش های اقتصادی و سیاسی در خود اروپا را نیز تشدید کرده است. اعمال تحریم ها بر روسیه، به شدت تحت تأثیر منافع ایالات متحده، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی برای صنایع اروپایی، به ویژه در بخش انرژی، داشته است.

اگر اتحادیه اروپا رویکرد خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد و اهمیت تقویت روابط سازنده با مسکو را تشخیص دهد، به طور بالقوه می تواند به پایان دادن به جنگ اوکراین با شرایطی کمک کند که هم به نفع اروپا و هم روسیه باشد. به جای تداوم درگیری که فقط در خدمت جاه طلبی های امپریالیستی ایالات متحده باشد. تعریف مجدد روابط با روسیه می تواند راه های جدیدی را برای همکاری اقتصادی، امنیت انرژی و ثبات منطقه ای باز کند. با اولویت دادن به گفتگو و همکاری بر رویارویی، اروپا می تواند استقلال استراتژیک خود را افزایش دهد و وابستگی خود را به قدرت های خارجی کاهش دهد.

هر چه اروپا مدت بیشتری در بند دیکته های استراتژیک آمریکا بماند، ثبات و رفاه خود را بیشتر به خطر می اندازد. زمان آن فرا رسیده است که رهبران اروپایی بدانند که منافع آنها همیشه با منافع واشنگتن همسو نیست. یک سیاست خارجی مستقل تر و متعادل تر، اتحادیه اروپا را قادر می سازد تا از پیچیدگی های چشم انداز ژئوپلیتیک جهانی بهتر

عبور کند. این شامل ارزیابی مجدد اتحادهای موجود، بررسی مشارکت های جدید و اولویت دادن به منافع اقتصادی و امنیتی خود اروپا بر فشارهای خارجی است.

اروپا تنها با رهایی از چنگال ایالات متحده و تعامل با روسیه به عنوان یک همتای ژئوپلیتیکی می تواند امیدوار باشد که آینده ای امن تر و مستقل ایجاد کند. این تغییر مستلزم رویکردی جسورانه و رویایی از سوی رهبران اروپایی است، رویکردی که فراتر از اتحادهای تاریخی باشد و دیدگاهی عملگرا و استراتژیک تر را در بر گیرد. با انجام این کار، اتحادیه اروپا می تواند خود را به عنوان یک بازیگر قدرتمند و مستقل در عرصه بین المللی قرار دهد که قادر به حفظ منافع خود و کمک به صلح و ثبات جهانی است.

در پایان، شکست اتحادیه اروپا در ایجاد اتحاد قوی با روسیه نشان دهنده فرصتی از دست رفته برای اثبات استقلال ژئوپلیتیکی خود است. اروپا با تنظیم مجدد اولویت های سیاست خارجی خود و درک اهمیت رابطه سازنده با مسکو، می تواند به سوی آینده ای امن تر و مرفه تر و فارغ از محدودیت های سیاست امپریالیستی آمریکا حرکت کند. زمان آن فرا رسیده است که اتحادیه اروپا مسیر خود را ترسیم کند و خود را به عنوان یک بازیگر مستقل و تأثیرگذار در صحنه جهانی تثبیت کند.

## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

پروفسور رنل اف. پیا فیلسوف فیلیپینی مقیم مادرید، اسپانیا است. او که یک دانشگاه بازنشسته (دانشیار چهارم) بود، بیش از پانزده سال در دانشگاه ترینیتی آسیا، یک دانشگاه انگلیکن در فیلیپین، به تدریس فلسفه و علوم اجتماعی پرداخت. او یکی از همکاران دائمی تحقیقات جهانی است.

-----**با تقدیم سلامها» «2025-03-18»**

